

آرزویی که با کارتر دفن شد

یادداشت روز
مهدی بختیاری

جیمی کارتر در میان روسای جمهوری آمریکا دربره ایران یک ویژگی داشت و آن اینکه پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ در حالی رخ داد که کارتر در آمریکا در مسند قدرت بود. کارتریکی از مهم‌ترین حامیان سلطنت پهلوی بود و تا جایی که در توان داشت به حمایت از رژیم محمدرضا ادامه داد، چرا که ایران در آن زمان یکی از مهم‌ترین متحدان استراتژیک آمریکا در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شد. حمایت نظامی و اقتصادی از شاه، به رغم نارضایتی گسترده مردم، اگر چه توانست برای مدتی محمدرضا را در قدرت نگه دارد اما در نهایت موجب تشدید مخالفت‌های مردمی و سقوط حکومت او شد. جالب آنکه کارتر در اظهاراتی مشهور، تنها چند ماه مانده به پیروزی انقلاب، ایران (یعنی حکومت پهلوی) را «جزیره ثبات در یکی از پراشوب‌ترین نقاط جهان» نامیده، ثباتی که در عمل مشخص شد بسیار شکننده است. تنها چند روز پس از سخنان کارتر، راهپیمایی‌های عظیم مردمی علیه رژیم شاه - بویژه بعد از انتشار مقاله موهن ارتجاع سرخ و سیاه در روزنامه اطلاعات - به راه افتاد و قیام ۱۶ دی و سلسله قیام‌هایی که در چهل شهید شهرها برگزار می‌شد، حرکت پرشتاب انقلاب را نشان داد که یک سال بعد به ثمر نشست. کارتر و دولتش نتوانستند ماهیت انقلاب مردم ایران و شدت ناراضیاتی جامعه نسبت به رژیم پهلوی را بدرستی درک کنند و در کنار آن، از تأثیر گسترده رهبری حضرت امام خمینی و جنبه مردمی و دینی انقلاب نیز غافل بودند و در این اشتباه، تحلیل‌های نادرست اطلاعاتی و ضعف سفارت آمریکا در ارائه گزارش‌های واقعی به واشنگتن نقش بزرگی ایفا کرد. اما آنچه کارتر را به بزرگ‌ترین ناکام آن مقطع در رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای حزب دموکرات در ایالات متحده مبدل کرد، ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران و متعاقب آن، عملیات نظامی ناکام آمریکایی‌ها در صحرای طیس بود. ناکامی کارتر در مواجهه با انقلاب ایران



صفحه ۲

چرا «وعده صادق ۳» را باید به عنوان یک فرصت مهم برای دفع خطر رژیم صهیونیستی بازسازی توان بازدارندگی، تأمین امنیت و حفاظت از تمامیت ارضی کشور دانست؟

وعده لازم

کاهش اعتماد عمومی با تخطی از حاکمیت قانون

نگاه
علی بهادری‌پهرمی

۱- بدعت در اجرای اصول قانون اساسی یا تفسیرهای شخصی از تکالیف قانونی، کارآمدی حکمرانی را زیر سوال می‌برد و پایه‌های حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند. قانون اساسی به عنوان میثاق ملی، چارچوبی روشن برای حکمرانی مبتنی بر اراده مردم فراهم کرده است. قانون‌گذار اساسی، حکمرانی مردمی را در قالب اجرای دقیق قوانین مصوب مجلس پیش‌بینی کرده است، نه بر اساس نظرات شخصی یک یا چند مسئول. ۲- مسؤولیت امراتی است که برای اجرای قانون برآمده از مردم‌سالاری دینی به مسؤولان و اگندار شده و فرآیند اصلاح قانون با اعمال صلاحیت‌های نظارتی مجلس شورایی اسلامی نیز روشن و مشخص است. حرکت بر مدارهای دیگر، در بلندمدت و حتی در میان‌مدت اثری جز تزلزل پایه‌های حکمرانی مردم‌سالار و قانون‌مدار نخواهد داشت. ۳- صلاحیت‌های قانونی، علاوه بر آنکه حق زمامداران محسوب می‌شود، تکالیفی است که مسؤولان در برابر مردم بر عهده دارند و پایبندی به آنها شرط مشروعیت و کارآمدی است. تخطی از این اصول، عدول از امراتی است که مردم بر اساس آن رای داده‌اند. برای قضاوت درباره درستی یک تصمیم، باید این معیار را به کار گرفت: آیا اگر جناح مخالف ما در جایگاه مسؤولیت قرار داشت، این اقدام را قانونی و عادلانه می‌دانستیم؟ چنین سنجشی مانع از تسلط تفسیر شخصی بر نظم حقوقی و عامل حفظ حاکمیت قانون خواهد بود. ۴- بدعت در قانون‌گذاری یا اجرا اعتماد عمومی به نظام حکمرانی را کاهش می‌دهد. قانون‌زمانی ضمانت اجرای واقعی دارد که بی‌طرفانه و بدون استثنا اعمال شود. هرگونه تفسیر یا تغییر بر اساس سلیق فردی یا مصلحت‌اندیشی شخصی، به تزلزل در حاکمیت و ایجاد نارضایتی منجر خواهد شد. این رویه نه تنها حقوق مردم را تضعیف می‌کند، بلکه انسجام نظام سیاسی و اجتماعی را نیز تهدید می‌کند. ۵- تأمین حقوق مردم مستلزم در تریج قانون بر سلیق شخصی است. تنها در سایه حکمرانی قانونمدار می‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت. هرگونه مداخله در مسیر اجرای قانون، نه تنها به بی‌عدالتی می‌انجامد، بلکه پایه‌های حکمرانی مردمی را نیز سست می‌کند. قانون اساسی و قوانین عادی به عنوان ابزار تحقق اراده مردم، محور حکمرانی اند و هرگونه انحراف از این محور، مسیر توسعه و عدالت را مسدود خواهد کرد. در نهایت، این تنها حاکمیت قانون است که می‌تواند ضامن عدالت، امنیت و پیشرفت کشور باشد. ادامه در صفحه ۸

استعداد جمعیت‌های «بی‌ثبات کار یا پریکاریا» در عمل سیاسی رادیکال

وقتی میان خود با کاری که می‌کنند هیچ تعلقی حس نمی‌کنند، با کار و دنیای اطراف بیگانه می‌شوند. اما این اشاره به چه دلیل است؟ واقعیت آن است که این روزها فعالیت‌های گروه‌های چپ شهری، انقدر زیرپوستی و زیاد شده است که ضرورت پرداختن به این دسته‌ها مستعد عمل سیاسی دوچندان می‌شود. گفتار تولیدی چپ‌ها، نشان از برنامه‌ریزی روی چنین گروه‌ها و زیر نظر داشتن آنان برای تحریک به عمل سیاسی رادیکال دارد. این مطلب که مربوط به یکی از نوشته‌های مهم چپ‌هاست، قابل تأمل است. فرد نویسنده در این مطلب، از ۲ شکل زندگی نوشته است: زندگی در چپ‌هاست، قابل تأمل است. فرد نویسنده در این مطلب، از ۲ شکل زندگی نوشته است: زندگی در انقیاد قانون و زندگی را از انقیاد قانون. وضعیت قبلی: آن وضعیت زندگی به انقیاد قانون درآمده، جایگاه سیاسی مردم را تغییر داد و خواست حاقل‌ها را نمایندگی کرد. به کمیته‌ها تقلیل یافته بودیم. با ابزار وضعیت استانه‌ای، حفظ ترس فراگیر

درباره «ناهییار جمعی» جامعه سوریه

روانکاوای سوری‌ها

غیرارادی متوسل می‌شود. ۲- ماشه دفاع، یقیناً در پی وقایع اخیر بعد از فروپاشی حاکمیت مرکز در سوریه، روان جمعی مردم دچار یک ترومای شدید و شوک شده است. مردمی که تا یک دهه گذشته با وحشی‌ترین ارتش سازماندهی شده آمریکایی به نام داعش دست و پنجه نرم می‌کردند، ترومست و اشغالگر را از ارتشی و سرباز وطن خوب بازمی‌شناسند. دختران و زنانی که در اردوگاه‌های زدن در برابر افکار و احساساتی محافظت می‌کنند که ناهشیار جمعی مردم سوریه تحلیل‌های خود را از زمین واقعیت برداشته و بخوبی می‌تواند صحنه پیش خودآگاه بیرون می‌انند؛ عواطف ناخوشایندی چون خشم، اضطراب و افسردگی، زمانی که این عواطف بر کارکردهای ایگو بویژه تفکر، سازماندهی و تمرکز اثر گذارد، تروماتیک یا آسیب‌زادداشت شده و مکانیسم‌ها را برانگیخته می‌کند. در برخی موارد نیز به نظر می‌آید مکانیسم‌های دفاع روانی افکار و تکرانه‌های نامناسب و ناخواسته را از ورود به ذهن خودآگاه باز می‌دارند. در واقع زمانی که یک رخداد یا جنبه‌های واقعی‌اش برای اغلب مردم یک کشور قابل تحمل نباشد و اضطراب یا خشم و غم زیادی را وارد کند، ناخودآگاه جمعی برای هضم مساله به مکانیسم‌های دفاعی

تیتیرهای امرور

«وطن امروز» از ضعف سیاست‌های دولت در تأمین مسکن دهک‌های ضعیف جامعه گزارش می‌دهد

بانک عزیزتر از مسکن

نمایش همتی برای فرار از مسؤولیت بازار ملتهب ارز

عرایض ضدآزری

عملیات چندگانه نیروهای مسلح یمن علیه سرزمین‌های اشغالی و ناگان در یابای ارتش آمریکا

ثوالفقار برای فلسطین

فرودگاه بن‌گوریون تل‌آویو و نیروگاه برق جنوب قدس اشغالی هدف قرار گرفتند

نگاهی به تبعات برخطر فروش داروهای تقلبی و تاریخ گذشته با برچسب جدید در فضای مجازی و بازار آزاد

درد واقعی درمان مجازی

کاهش اعتماد عمومی با تخطی از حاکمیت قانون

علی بهادری‌پهرمی

دیدگاه

انهام قاجار

«خودآگاه جمعی» جوامع بشری واکنش‌هایی درست شبیه ناهشیار فردی دارد. در روانشناسی مقولم‌ای به نام مکانیسم‌های دفاعی روان داریم. به عقیده فروید، ایگو، روشی به نام دفاع را برای مقابله با هیجانات مخرب به وجود می‌آورد. مکانیسم‌های دفاعی، از ذهن در برابر افکار و احساساتی محافظت می‌کنند که سازگاری با آنها برای ذهن خودآگاه بسیار دشوار است. ۱- «دفاع‌ها» آن دسته از اقدامات روانی هستند که مضامین عاطفی ناخوشایند را از حیطه هوشیاری خودآگاه بیرون می‌انند؛ عواطف ناخوشایندی چون خشم، اضطراب و افسردگی، زمانی که این عواطف بر کارکردهای ایگو بویژه تفکر، سازماندهی و تمرکز اثر گذارد، تروماتیک یا آسیب‌زادداشت شده و مکانیسم‌ها را برانگیخته می‌کند. در برخی موارد نیز به نظر می‌آید مکانیسم‌های دفاع روانی افکار و تکرانه‌های نامناسب و ناخواسته را از ورود به ذهن خودآگاه باز می‌دارند. در واقع زمانی که یک رخداد یا جنبه‌های واقعی‌اش برای اغلب مردم یک کشور قابل تحمل نباشد و اضطراب یا خشم و غم زیادی را وارد کند، ناخودآگاه جمعی برای هضم مساله به مکانیسم‌های دفاعی

و تقلیل مشارکت عمومی، جامعه زیر جبر حاکم کنترل می‌شد. وضعیت تازه: در این وضعیت، سیاست که فضای ما بین زندگی و قانون است، به واسطه عمل آدمی بر می‌شود و با توزیع امر محسوس آشنایی‌زاد می‌کند. باید با پراکتیس (عمل) قفل ذهن را برای تجربه‌های تازه باز کرد. جغرافی‌های-مان را برای تحول توانمند ساخت و نوید دیدگاه‌های تازه‌ای برای ساخت آینده‌ها داد. اگر چپ کلاسیک را بتوان با اغماض پیرو آرمان طبقه کارگر و ایجاد آگاهی مبارزاتی در آن دانست، می‌توان چپ شهری را متوجه ایجاد آگاهی مبارزاتی در میان چنین جمعیت‌های بی‌ثباتی دانست؛ جمعیت‌های بی‌شغل و کاری که حس هویت شهری درآمده، جایگاه سیاسی مردم را تغییر داد و خواست حاقل‌ها را نمایندگی کرد. به کمیته‌ها تقلیل یافته بودیم. با ابزار وضعیت استانه‌ای، حفظ ترس فراگیر

غیرارادی متوسل می‌شود. ۲- ماشه دفاع، یقیناً در پی وقایع اخیر بعد از فروپاشی حاکمیت مرکز در سوریه، روان جمعی مردم دچار یک ترومای شدید و شوک شده است. مردمی که تا یک دهه گذشته با وحشی‌ترین ارتش سازماندهی شده آمریکایی به نام داعش دست و پنجه نرم می‌کردند، ترومست و اشغالگر را از ارتشی و سرباز وطن خوب بازمی‌شناسند. دختران و زنانی که در اردوگاه‌های زدن در برابر افکار و احساساتی محافظت می‌کنند که ناهشیار جمعی مردم سوریه تحلیل‌های خود را از زمین واقعیت برداشته و بخوبی می‌تواند صحنه پیش خودآگاه بیرون می‌انند؛ عواطف ناخوشایندی چون خشم، اضطراب و افسردگی، زمانی که این عواطف بر کارکردهای ایگو بویژه تفکر، سازماندهی و تمرکز اثر گذارد، تروماتیک یا آسیب‌زادداشت شده و مکانیسم‌ها را برانگیخته می‌کند. در برخی موارد نیز به نظر می‌آید مکانیسم‌های دفاع روانی افکار و تکرانه‌های نامناسب و ناخواسته را از ورود به ذهن خودآگاه باز می‌دارند. در واقع زمانی که یک رخداد یا جنبه‌های واقعی‌اش برای اغلب مردم یک کشور قابل تحمل نباشد و اضطراب یا خشم و غم زیادی را وارد کند، ناخودآگاه جمعی برای هضم مساله به مکانیسم‌های دفاعی

«ناهییار جمعی» جامعه سوریه

روانکاوای سوری‌ها

غیرارادی متوسل می‌شود. ۲- ماشه دفاع، یقیناً در پی وقایع اخیر بعد از فروپاشی حاکمیت مرکز در سوریه، روان جمعی مردم دچار یک ترومای شدید و شوک شده است. مردمی که تا یک دهه گذشته با وحشی‌ترین ارتش سازماندهی شده آمریکایی به نام داعش دست و پنجه نرم می‌کردند، ترومست و اشغالگر را از ارتشی و سرباز وطن خوب بازمی‌شناسند. دختران و زنانی که در اردوگاه‌های زدن در برابر افکار و احساساتی محافظت می‌کنند که ناهشیار جمعی مردم سوریه تحلیل‌های خود را از زمین واقعیت برداشته و بخوبی می‌تواند صحنه پیش خودآگاه بیرون می‌انند؛ عواطف ناخوشایندی چون خشم، اضطراب و افسردگی، زمانی که این عواطف بر کارکردهای ایگو بویژه تفکر، سازماندهی و تمرکز اثر گذارد، تروماتیک یا آسیب‌زادداشت شده و مکانیسم‌ها را برانگیخته می‌کند. در برخی موارد نیز به نظر می‌آید مکانیسم‌های دفاع روانی افکار و تکرانه‌های نامناسب و ناخواسته را از ورود به ذهن خودآگاه باز می‌دارند. در واقع زمانی که یک رخداد یا جنبه‌های واقعی‌اش برای اغلب مردم یک کشور قابل تحمل نباشد و اضطراب یا خشم و غم زیادی را وارد کند، ناخودآگاه جمعی برای هضم مساله به مکانیسم‌های دفاعی

«ناهییار جمعی» جامعه سوریه

روانکاوای سوری‌ها

غیرارادی متوسل می‌شود. ۲- ماشه دفاع، یقیناً در پی وقایع اخیر بعد از فروپاشی حاکمیت مرکز در سوریه، روان جمعی مردم دچار یک ترومای شدید و شوک شده است. مردمی که تا یک دهه گذشته با وحشی‌ترین ارتش سازماندهی شده آمریکایی به نام داعش دست و پنجه نرم می‌کردند، ترومست و اشغالگر را از ارتشی و سرباز وطن خوب بازمی‌شناسند. دختران و زنانی که در اردوگاه‌های زدن در برابر افکار و احساساتی محافظت می‌کنند که ناهشیار جمعی مردم سوریه تحلیل‌های خود را از زمین واقعیت برداشته و بخوبی می‌تواند صحنه پیش خودآگاه بیرون می‌انند؛ عواطف ناخوشایندی چون خشم، اضطراب و افسردگی، زمانی که این عواطف بر کارکردهای ایگو بویژه تفکر، سازماندهی و تمرکز اثر گذارد، تروماتیک یا آسیب‌زادداشت شده و مکانیسم‌ها را برانگیخته می‌کند. در برخی موارد نیز به نظر می‌آید مکانیسم‌های دفاع روانی افکار و تکرانه‌های نامناسب و ناخواسته را از ورود به ذهن خودآگاه باز می‌دارند. در واقع زمانی که یک رخداد یا جنبه‌های واقعی‌اش برای اغلب مردم یک کشور قابل تحمل نباشد و اضطراب یا خشم و غم زیادی را وارد کند، ناخودآگاه جمعی برای هضم مساله به مکانیسم‌های دفاعی

کارتز بنیانگذار و آغازگر روند خصمانه با نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران بود و در حالی پس از ۱۰۰ سال زندگی، این ارز را با خود به گور برد که زست‌های مخالفتش با جنگ و تلاشش برای تبدیل شدن به یک فعال سیاسی صلح‌طلب، مخالف جنگ و حامی حقوق بشر هم نتوانست نگاه مردم ایران به او و سیاست‌های ظالمانه آمریکا را تغییر دهد.

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۳۳۱

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۳۳۱